

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۲۷ تا ۶۴

ژئوپلیتیک قومیت‌ها در تحولات ژئوپلیتیکی همگرایی و واگرایی غرب آسیا با تأکید بر ج.ا.ایران

محمود عسگری^۱، محمدحسین معینی^۲، احمد آقاجانی^۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹

چکیده

مسئله قومیت و قوم‌گرایی یکی از مسائل اساسی در سطح بین‌الملل است. منطقه غرب آسیا نیز از جمله مناطقی است که دارای تعدد قومی می‌باشد. ایران نیز از نظر قومی جزو کشورهایی است که کثرت قومی دارد. نگارندگان در راستای پاسخ به این پرسش که ژئوپلیتیک اقوام در منطقه غرب آسیا با تأکید بر ج.ا.ایران (به لحاظ همگرایی و واگرایی با دولت مرکزی) چگونه است؟ اطلاعات لازم را با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی گردآوری نموده‌اند. یافته‌های مقاله بیانگر آن است که از جمله ویژگی‌های منطقه غرب آسیا، تنوع قومیتی این منطقه است؛ تنوعی که در برخی از کشورها از جمله ج.ا.ایران، بستر ساز همگرایی شده و در برخی دیگر از کشورها به دلیل برخی مشکلات ساختاری و تحریکات بیرونی، زمینه‌های واگرایی را فراهم آورده است، ولی در کشورمان با وجود تلاش‌های دشمنان، نگاه فرصت‌محور جمهوری اسلامی به اقوام، زمینه بسیار مناسبی برای استفاده از ظرفیت عظیم قومیت‌های کشور فراهم کرده است. دیگر یافته آن است که اصول حاکم بر سیاست قومی در ایران باید منتهی به تقویت اشتراکات و تلاش برای نزدیکی اقوام با همدیگر باشد و به این نکته توجه داشت که هرچه محورها و اصول مورد توافق جمعی افزایش یابد، امکان و احتمال هماهنگی و همدلی بیشتر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: غرب آسیا، ژئوپلیتیک، ج.ا.ایران، قومیت.

^۱. محقق مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی

^۲. کارشناسی ارشد، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی

^۳. دکتری، عضو هیئت علمی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

مقدمه

ژئوپلیتیک عبارت از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنهاست. هدف یک قدرت از این روابط، ایجاد موازنه‌های رقابتی با قدرت‌های دیگر برای تأمین امنیت در راستای حفظ منافع ملی و گستردن آن، با توجه به چگونگی بهره گرفتن از نقش امکانات جغرافیایی است. از این دیدگاه ویژه، ژئوپلیتیک را می‌توان مسئله‌ای مهم برای ایجاد موازنه قدرتی با رقیبان در سطوح منطقه‌ای و جهانی در راستای تأمین امنیت، جهت حفظ و گسترش منافع ملی در سطوح منطقه‌ای و جهانی دانست. با پیچیده‌تر شدن جوامع، توجه به متغیرهای فرهنگ انسانی مرزها همچون قوم‌گرایی، منطقه‌گرایی، جمعیت و مهاجرت ضرورت می‌یابد. در بحث‌های فرهنگی و ارتباط آنها با ژئوپلیتیک، به سه عامل «زبان، مذهب و قومیت» توجه می‌شود. مسئله قومیت و قوم‌گرایی یکی از مسائل اساسی در سطح بین‌الملل است. منطقه غرب آسیا نیز از جمله مناطقی است که دارای تعدد قومی می‌باشد. ایران نیز از نظر قومی جزو کشورهایی است که کثرت قوم دارد. کشور اسلامی ایران متشکل از اقوام و فرهنگ‌های محلی متنوعی است، هر کدام از این فرهنگ‌ها و اقوام، افزون بر هویت مشترک ایرانی - اسلامی، دارای ریزفرهنگ‌ها و هویت‌های منطقه‌ای خود نیز می‌باشند، از این‌رو جامعه ایران را جامعه‌ای چند قومی یا چندفرهنگی می‌نامند. چندقومی بودن یک جامعه در شرایط خاص می‌تواند سبب‌ساز چالش و بحران‌هایی برای حکومت و مدیریت جامعه شود. پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی بسیاری از معادلات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی را بر هم زد. به واسطه این تحول شگرف برخی از قدرت‌ها مانند آمریکا منافع خود را از دست دادند؛ به عبارتی ماهیت، بازتاب و گفتمان انقلاب اسلامی به گونه‌ای بود که موجی از اسلام‌خواهی و غرب‌ستیزی را ایجاد نمود. به این دلیل دشمنی‌ها آغاز شد و در خلال دهه‌های گذشته سیاست‌ها، توطئه‌ها و اقدامات فراوانی علیه نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت. تغییر ساختار به واسطه انقلاب اسلامی در کشور ایران، به طور غیرمستقیم تحولات ژئوپلیتیکی را در منطقه به دنبال داشته است. ناکامی در اعمال تهدیدات بیرونی، دشمن

را به سوی فهم این واقعیت سوق داد که در شرایط انسجام درونی، ضربه زدن به انقلاب، آرزویی دست‌نیافتنی است، از این‌رو در اندیشه ایجاد انشقاق‌های درونی برآمده است. به نظر می‌رسد با توجه به ظرفیت‌های بالقوه موجود در اقلیت‌های قومی این لایه از اجتماع کشور در هدف‌گذاری‌های دشمن مورد نظر قرار گرفته است. وجود اقوام گوناگون در کشورها می‌تواند آثار دوگانه‌ای به همراه داشته باشد؛ به‌بیانی قومیت‌ها در بسیاری از موارد موجب بی‌ثباتی و نضج‌گیری زمزمه‌های جدایی‌طلبی خواهند بود و در برخی مواقع، نمایانگر تصویر زیبای وحدت در عین کثرت می‌باشند. با توجه به این مطالب، مسئله تحقیق این است که وضعیت اقوام از این حیث در منطقه غرب آسیا به طور کلی و ج.ا.ایران به طور خاص چگونه می‌باشد.

۲-۱. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

امروزه کمتر کشور یا جامعه‌ای را می‌توان یافت که دارای همگونی باشد. اگرچه نفس وجود تنوع، امری مطلوب و موجب تحرک و پویایی و بالندگی فرهنگی است، اما در صورت عدم مدیریت صحیح و دخالت بیگانگان، احتمال بروز و فعال شدن گسل‌ها و شکاف‌های قومی و مذهبی به مراتب بیشتر از جوامع همگن می‌باشد. بروز تقابل‌ها موجب آسیب‌پذیری انسجام و همگرایی ملی از یکسو و تشدید مرکزگرایی از سوی دیگر خواهد شد.

از ویژگی‌های منطقه غرب آسیا، تنوع قومیتی این منطقه است؛ تنوعی که در برخی از کشورها از جمله ج.ا.ایران، بستر ساز همگرایی شده و در برخی دیگر از کشورها به دلیل برخی مشکلات ساختاری و تحریکات بیرونی، زمینه‌های واگرایی را فراهم آورده است. تقسیم برخی از اقوام در چند کشور همجوار در دوران استقلال‌یابی به‌عنوان یک سیاست استعماری از دیگر علل و عوامل عمده مشکلات ناشی از حرکت‌های قومی است. این در حالی است که منازعات داخلی به‌ویژه منازعات قومی، مذهبی به‌گونه فزاینده‌ای در حال تبدیل شدن به موضوعات بین‌المللی

هستند. از زمان پایان جنگ سرد، منازعات داخلی سهمی بیشتر از منازعات جهانی را به خود اختصاص داده است. بسیاری از این منازعات داخلی به نوبه خود شکل بین‌المللی به خود گرفته‌اند. برآیند آنچه گفته شد تبیین‌کننده اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق است؛ به عبارتی قومیت‌ها می‌توانند مانند تیغ دو لبه عمل کنند و بسترساز همگرایی و یا محملی برای واگرایی شوند.

۳-۱. پرسش تحقیق

ژئوپلیتیک اقوام در منطقه غرب آسیا با تأکید بر ج.ا.ایران (به لحاظ همگرایی و واگرایی با دولت مرکزی) چگونه است؟

۴-۱. اهداف تحقیق

- (۱) آشنایی بیشتر با تأثیرگذاری اقوام در ملاحظات امنیتی
- (۲) درک بهتر جایگاه و نقش اقوام در کشورهای غرب آسیا
- (۳) شناخت سیاست‌های آمریکا برای تحریک اقوام در ج.ا.ایران
- (۴) رویکرد ج.ا.ایران به اقوام و قومیت‌ها

۵-۱. نوع تحقیق

این مقاله که از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

۶-۱. روش گردآوری اطلاعات

اطلاعات لازم با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد، مجلات و کتاب‌های معتبر فارسی و انگلیسی گردآوری شده است.

۲. مباحث نظری

۱-۲. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک عبارت از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنهاست. هدف یک قدرت از این روابط، ایجاد موازنه‌های رقابتی با قدرت‌های دیگر برای تأمین امنیت در راستای حفظ منافع ملی و گسترده آن، با توجه به چگونگی بهره گرفتن از نقش امکانات جغرافیایی است. از این دیدگاه ویژه، ژئوپلیتیک را

می‌توان هنر ایجاد موازنه قدرت با رقیبان در سطوح منطقه‌ای و جهانی در راستای تأمین امنیت، جهت حفظ و گسترش منافع ملی در سطوح منطقه‌ای و جهانی دانست.^(۱) آگاهی به اهمیت مسائل ژئوپلیتیک، از اواخر قرن نوزدهم قدرت‌های بزرگ را ترغیب کرد تا با استفاده از دستاوردهای علمی، از موقعیت‌های جغرافیایی کشورها به نفع سیاست‌های خود بهره‌گیرند. این امر موجب رقابت‌های گسترده‌ای میان واحدهای قدرتمند سیاسی در آن زمان شد و موجب نظریه‌پردازی‌هایی شد که به «نظرات ژئوپلیتیک» شهرت یافتند.^(۲)

از نظر برخی، با پیچیده‌تر شدن جوامع، توجه به متغیرهای فرهنگ انسانی مرزها همچون ناسیونالیسم، قوم‌گرایی، منطقه‌گرایی، جمعیت و مهاجرت ضرورت می‌یابد. از نظر آنان، از دیدگاه جغرافیای سیاسی، عناوین امروزه این علم محصول اقتصاد اجتماعی، محیط زیست، نیروهای سیاسی و متغیرهایی هستند که در گذشته در علوم اجتماعی بی‌اهمیت انگاشته می‌شدند.

گلاسبر در بحث‌های فرهنگی و ارتباط آنها با ژئوپلیتیک، به سه عامل «زبان، مذهب و قومیت» توجه می‌کند. به نظر وی، ناسیونالیسم بر مردم تأثیر بیشتری نسبت به مذهب دارد. از دیدگاه وی، تنوع قومی عامل مهمی در بروز جنگ، مخدوش شدن مرزها و حتی گاه شکل گرفتن مرزهاست، اما تکثر فرهنگی ضرورتاً به بی‌ثباتی سیاسی نمی‌انجامد.^(۳) به عقیده برخی صاحب‌نظران، ژئوپلیتیک، ترکیبی از «عوامل ثابت» شامل موقعیت جغرافیایی، وسعت سرزمین، شکل کشور، وضعیت توپوگرافی و «پارامترهای متغیر» نظیر جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی و اجتماعی، تحولات نظام بین‌الملل است.^(۴)

۲-۲. قومیت‌پژوهی و قومیت

توجه فزاینده به موضوع قومیت در شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی، این مقوله را از حد یک موضوع به سطح رشته‌ای خاص رسانده است. در حالی که مطالعات مربوط به قومیت در اوایل قرن بیستم به انسان‌شناسی و تا اندازه‌ای به جامعه‌شناسی محدود بود، در اواخر این قرن در شاخه‌های دیگر علوم

اجتماعی از جمله علوم سیاسی و به‌ویژه دو رشته فرعی آن یعنی جامعه‌شناسی سیاسی و روابط بین‌الملل هم چنین بررسی‌هایی انجام شد. دامنه مطالعات مربوط به قومیت نیز برحسب مورد بسیار گسترش یافته است. اگرچه در نیمه اول قرن حاضر این بررسی‌ها منحصر به آمریکای شمالی و اروپا بود، بعدها بسیاری از متخصصان انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی این مفهوم را در مطالعات مربوط به جوامع جهان سوم به کار بردند. با این همه، از همان ابتدای کار، نوعی ابهام و آشفتگی در مورد مفهوم و تعریف قومیت وجود داشته است. این آشفتگی، زمانی افزایش یافت که سایر رشته‌ها به مطالعه قومیت پرداختند و این مفهوم در بررسی جوامع غیرآمریکایی و غیراروپایی هم به کار گرفته شد؛ به عبارتی، هنوز اختلاف نظر بر سر مفهوم قومیت باقی بود که ساخت برخی ترکیبات وابسته مانند «گروه‌های قومی»، «هویت قومی»، «سیاست قومی» و «ناسیونالیسم قومی» در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، آشفتگی موجود را دامن زد. در حقیقت، این آشفتگی زمانی خود را نشان می‌دهد که مفاهیم یادشده در تحلیل جوامع خاورمیانه‌ای و سایر جوامع جهان سوم به کار می‌رود.

در رابطه با تعریف قومیت باید گفت که مانند بسیاری از مفاهیم، اجماعی در مورد تعریف این واژه وجود ندارد، ولی در این مقاله تعریف زیر، مبنای کار قرار داده شده است:

قومیت به معنی هویت و همبستگی جمعی متکی بر عوامل انتسابی مانند جد مشترک، زبان، رسوم، سیستم عقاید و اعمال (مذهب) و در برخی موارد نژاد یا رنگ می‌باشد.

۲-۳. جایگاه مباحث قومیتی در مطالعات امنیتی

امنیت به مثابه کل چندوجهی متأثر از عوامل و مؤلفه‌های گوناگونی بوده و دارای ابعاد حائز اهمیت است. بُعد هویتی از جمله این ابعاد می‌باشد. این بُعد خود دارای اجزایی است که قومیت از بارزترین آنها به شمار می‌آید.

بررسی جایگاه مباحث قومیتی در مطالعات امنیتی ما را به سوی این واقعیت سوق می‌دهد که این موضوع به لحاظ اهمیت دارای فراز و فرودهایی بوده است؛ به بیان روشن‌تر به نظر برخی صاحب‌نظران در مقطع جنگ سرد، منازعات قومی در چارچوب منازعات کم‌شدت مورد مطالعه قرار می‌گرفت.^(۵) در اوایل دهه ۱۹۹۰ و همزمان با فروپاشی ابرقدرت شرق، خشونت‌های قومی به یک معضل/بحران جهانی تبدیل شد. شدت این وضعیت بحران گونه به حدی بود که موجب نگرانی‌های فراوانی در رابطه با آینده امنیت بشری شد. خوشبختانه این وضعیت پس از چند سال فروکش نمود و در اواسط دهه یادشده، جنگ و خشونت‌های قومی جای خود را به مذاکره داد.

در مجموع پایان جنگ سرد ضمن ایجاد تغییر اساسی در محیط امنیتی، باعث تحول در نقاط ثقل و محورهای مطالعات امنیتی شد. رابرت ماندل این تحول محیطی را با استفاده از سه عامل، کاهش حاکمیت ملی، بالا رفتن وابستگی متقابل بین‌المللی و افزایش کشمکش‌های پراکنده و بی‌قاعده تبیین نموده است. به عقیده وی، تجزیه برخی ملل مهم چندقومیتی در کنار افزایش منازعات قومی، شخصیت حاکمیت ملی و دگرگونی چارچوب مطالعات امنیت ملی را در بر داشته است.^(۶)

تغییر محیط امنیتی بر روال الگوی واقع‌گرایی سنتی در روابط بین‌الملل تأثیر قابل توجهی گذارده است. به نظر برخی اندیشمندان مفاهیم نوین مرتبط با حوزه امنیت در دوره پس از جنگ سرد، کمتر بر ایده یک دشمن و نیز این ایده متمرکز بوده‌اند که تمامی تهدیدات، نظامی هستند. این مفاهیم بر بُعد نرم‌افزاری تهدیدات تکیه نموده‌اند. عمده‌ترین این تهدیدات، شامل مباحثی همچون مرزهای متغیر، نژاد و قومیت، اقلیت‌های ملی و قومی، بنیادگرایی مذهبی و... می‌شود. از آن جا که این موارد تناسب کاملی با ساختار سیاسی ندارند، هنوز سیاستمداران، پاسخ‌های مشخصی برای آنها نیافته‌اند. چنین مسایلی تهدیدی برای حفظ وضع موجود تلقی می‌گردند.

یوگسلاوی، اروپای شرقی، روسیه، کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز، تنها چند بخش از اروپا هستند که به واسطه این معضلات دستخوش بی‌ثباتی شده‌اند.^(۷)

با تأمل در روابط بین‌الملل می‌توان به این واقعیت رسید که کشورها با توجه به نقطه قوت خویش و ضعف رقیب، از ابزار و شیوه‌های مختلفی برای غلبه بر دیگر کشورها استفاده می‌نمایند. برخی از کشورها با دستمایه‌های ایدئولوژیک در صدد فتح جهان برآمدند. برخی با ابزارهای اقتصادی و بعضی نیز با ترسیم الگوهای فرهنگی و اجتماعی در این راستا گام برداشته‌اند.

در این راستا آسیب‌پذیری‌های حریف به دقت مورد ارزیابی قرار می‌گرفت و نقاط ضعف و راه‌های ورود شناسایی می‌شد. اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع، ارزش‌های فرهنگی، پیشینه تاریخی و موقعیت جغرافیایی مورد توجه قرار می‌گرفت تا دریابند در این کشورها کدام راه بهترین طریقه نفوذ است و بی‌شک با توجه به اینکه حدود ۹۰ درصد از کشورهای جهان به درجات مختلف به ناهمگونی قومی همبسته هستند، یکی از راه‌های نفوذ، استفاده از قومیت‌های ناراضی این کشورها بود که دوباره از اواخر دهه ۱۹۸۰ به گونه موفقیت‌آمیزی از آنها بهره گرفته شده است، بنابراین در مقاطع مختلف، عامل قومیت‌های ناراضی در درون کشورها از جمله حربه‌های مناسب قدرت‌های بیگانه محسوب گردیده است. همچنان که کشورها از انواع تجهیزات نظامی برای ضربه زدن به اهداف دشمن استفاده می‌نمایند، در صورت لزوم، با آتش‌افروزی میان قومیت‌های رقیب، دشمنان خود را تضعیف و تجزیه می‌کنند.

اگر چه ایده‌آل همه انسان‌های نوع‌دوست، پایبندی به اخلاقیات در سیاست بین‌الملل است، ولی تاکنون با وجود تلاش‌های به عمل آمده، محظورات اخلاقی و انسانی در سیاست بین‌الملل جایی نیافته است و به این لحاظ با وجود غیراخلاقی به نظر آمدن، همچنان اهرم قومیت‌ها مورد استفاده رقبا در نظام بین‌الملل است.

البته باید توجه داشت که در عین حالی که نقش ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ در بروز ستیزه‌های قومی غیرقابل انکار است، ولی حد و اندازه آن را بسترهای تاریخی و سیاست‌های داخلی نظام‌های سیاسی نسبت به اقلیت‌ها و قدرت‌های بزرگ تعیین می‌کند و قومیت‌ها و قدرت‌های بزرگ را به سوی هم، سوق می‌دهد؛ به عبارتی قدرت‌یابی جنبش‌های قومی منوط به حمایت‌های مالی، نظامی، تبلیغاتی و دیپلماتیک قدرت‌های بزرگ از یک طرف و سیاست‌های تبعیض‌آمیز و یا بی‌توجهی‌های حکومت مرکزی از سوی دیگر است. در چنین شرایطی معمولاً اقلیت‌های قومی بین بد (نزدیکی به قدرت خارجی) و بدتر (حکومت داخلی)، به سوی «بد» تمایل می‌یابند.^(۸)

تد رابرت گر در پاسخ به این پرسش که به هنگامی هویت قومی به اقدام سیاسی منتهی شده و به متغیر امنیتی تبدیل می‌شود اذعان دارد زمانی که قومیتی از طرف گروه‌ها و یا دولت به راه‌های مختلف مورد تهدید قرار گیرد، بنابراین به عقیده او، بیشتر جنبش‌های قومی در دهه‌های پایانی قرن بیستم در پاسخ به تهدیدات محیط سیاسی مانند انکار یا تبعیض ظهور یافته‌اند.^(۹)

به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، دستورکارهای جهانی همواره از سوی قدرت‌های بزرگ تعریف می‌شود، آن‌گاه این باور قوت می‌یابد که پدیده «جهانی‌سازی» بیشتر یک پروژه است. امروزه قدرت‌های بزرگ با تمسک به واژه «جهانی‌شدن» مباحثی همچون «رژیم جهانی حقوق بشر»، «حقوق اقلیت‌ها، اقوام و شهروندان»، و... را مطرح می‌نمایند که به واسطه آنها امکان سرکوب عریان را از نظام‌های سیاسی تا حد زیادی سلب نموده و به محرکی برای هویت‌خواهی‌های قومی تبدیل شده‌اند. نقش ابرقدرت‌ها و قدرت‌های فرامرزی در زمینه‌سازی بحران‌های قومی به وضوح در دوران معاصر متجلی است، در حالی که در جنگ جهانی اول رقبای روسیه تزاری و دولت‌های محور در صدد استفاده از اقوام امپراطوری پهناور برای تجزیه این کشور

بودند و بعدها ۱۴ دولت مقابله‌جو علیه بلشویک‌ها نیز از این حربه سود بردند و در آسیای مرکزی و قفقاز جمهوری‌های مستقلی را تشکیل دادند.

نقش ابرقدرت‌ها در ایجاد رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک دولت قومی در برابر سلب حاکمیت اعراب فلسطینی ساکن منطقه، از جمله نقش و تأثیرات ابرقدرت‌ها در کمک به قومیت‌ها و اقدامات گزینشی آنها تلقی می‌شود.

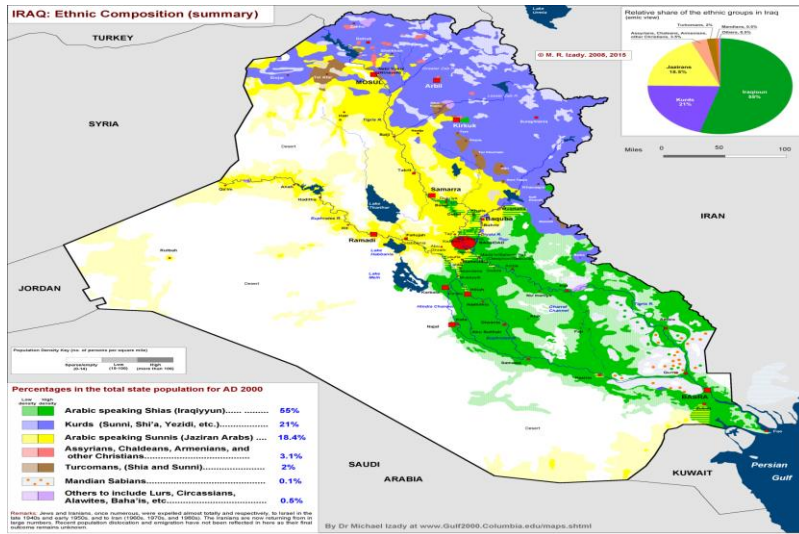
۴-۲. قومیت‌ها در غرب آسیا

بررسی قومیت‌ها در غرب آسیا، کار دشواری است؛ زیرا همان‌گونه که در مباحث مقدماتی بیان شد، تعریف مشخص و روشنی از قومیت وجود ندارد که مبنای کار پژوهشگران بوده باشد، بدیهی است که این معضل در مورد تعریف قومیت‌های غرب آسیا نیز وجود دارد؛ برای مثال در برخی بررسی‌ها مذهب و زبان نیز به‌عنوان عنصر قومیت مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این خصوص می‌توان گفت که مسئله قومیت در لبنان به مذهب، اما در ایران، پاکستان و تا حدی در افغانستان به زبان مربوط می‌شود. به این ترتیب، شیعیان پاکستان و افغانستان گروه‌های قومی نیستند، اما در لبنان، گروه قومی هستند.

با در نظر گرفتن این دشواری‌ها باید گفت در بخش وسیعی از منطقه غرب آسیا، اعراب سکونت دارند. قومیت عرب در کشورهای عرب منطقه عامل مهمی هستند که آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهند و در عین حال، آنها را از مردم غیرعرب منطقه جدا می‌سازند. پس از اعراب دو گروه قومی و زبانی دیگر منطقه، فارس‌ها و ترک‌ها هستند که در ج.ا.ایران و ترکیه سکونت دارند. افزون بر این برخی گروه‌های قومی و زبانی در منطقه حضور دارند که مختص به یک کشور نیستند، بلکه در کشورهای مختلف به‌عنوان گروه‌های اقلیت حضور دارند. بزرگ‌ترین گروه اقلیت‌گُردها هستند که اغلب در شمال عراق، غرب و شمال ترکیه و شمال سوریه سکونت دارند. بر مبنای آنچه بیان گردید غرب آسیا شامل کشورهای گوناگونی است، ولی مقوله قومیت در برخی از این کشورها برجسته می‌باشد. بر اساس آنچه بیان شد ظرفیت

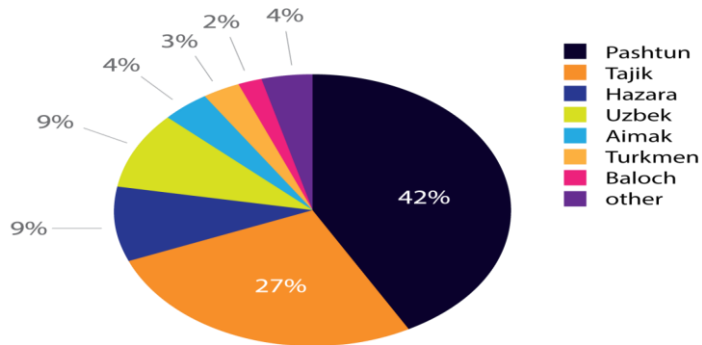
بسیار گسترده‌ای برای درگیری در این منطقه وجود دارد که عدم توجه کشورها به این مقوله می‌تواند چالش برانگیز باشد و گذشته کشورهای این منطقه نیز خود گویای این مورد می‌باشد. کشورها و قدرت‌های بزرگ نیز در جهت امتیازگیری از کشورهای منطقه در دامن زدن به موضوعات قومی نقش بسزایی دارند.

نقشه شماره ۱. پراکندگی قومیت‌ها در عراق



نقشه شماره ۲. پراکندگی قومیت‌ها در افغانستان

Percentage Breakdown of Ethnic Groups in Afghanistan

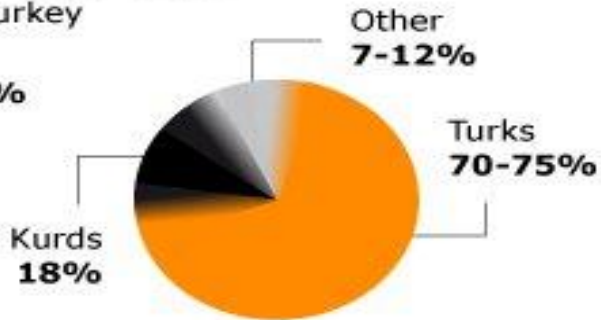


نقشه شماره ۳. پراکندگی قومیت‌ها در ترکیه

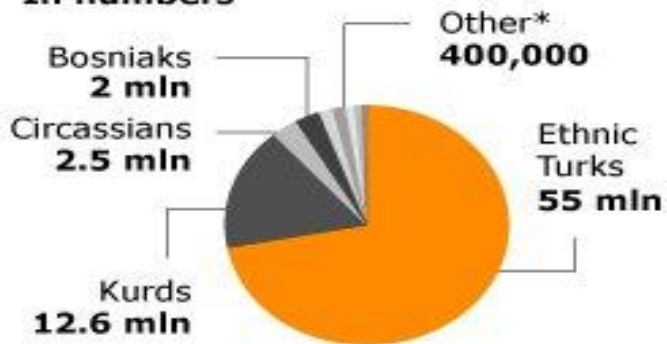
Ethnic groups

in Turkey

In %

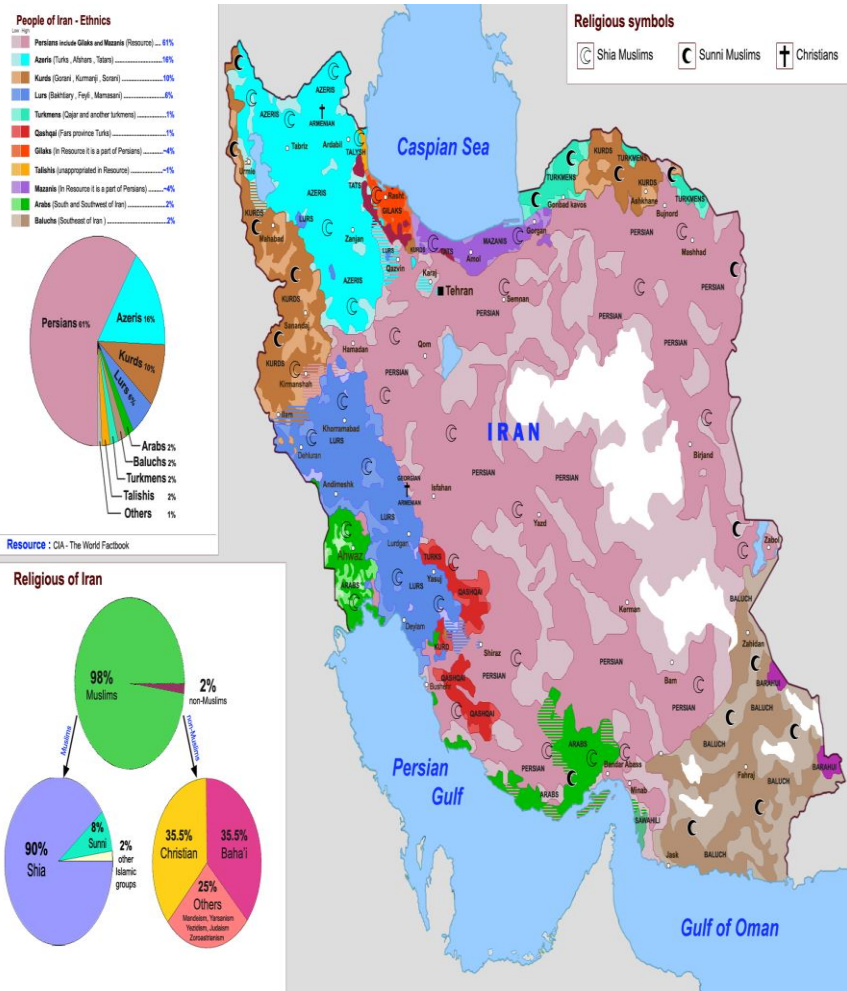


In numbers



* Albanians, Georgians, Arabs, Pomaks, Laz, Armenians, Assyrians/Syriacs, Jews, Greek

شماره ۴. پراکندگی قومیت‌ها در ج.ا.ایران



اطلاعات ارائه شده در اشکال و نقشه‌های بالا نیز مؤید این واقعیت است که غرب آسیا، منطقه‌ای با قومیت‌های متفاوت است. تحلیل شرایط موجود، نشان‌دهنده این واقعیت است که در این منطقه، قومیت‌ها نقش و کارویژه‌های متفاوتی را ایفا می‌نمایند؛ البته این اختلاف تا حدی تابع ساختار و توسعه سیاسی کشورها می‌باشد؛ به عبارتی اگر کشور دارای انسجام سیاسی و ملی باشد و مراحل دولت - ملت‌سازی

را با موفقیت طی کرده باشد و وفاداری‌ها در سطح ملی شکل گرفته باشد، قومیت‌ها در عین حفظ هویت خویش، خود را بخشی از هویت و ملیت آن کشور می‌دانند، جمهوری اسلامی نمونه برجسته چنین شرایطی است، ولی در کشوری همچون افغانستان که فرایند ملت‌سازی، عقیم مانده و دولت ملی به مفهوم دقیق کلمه شکل نگرفته، قوم پشتون با تحریک و حمایت بیگانگان در صدد سیطره‌جویی بر سایر اقوام بوده و به عامل بی‌ثباتی و واگرایی تبدیل شده است. در عراق نیز وضعیت تا حد زیادی همین گونه است با این تفاوت که تحریک قدرت‌های خارجی (رژیم صهیونیستی و آمریکا) و ضعف دولت مرکزی، زمینه‌ساز تقویت تمایلات واگرایانهٔ اکراد این کشور شده است.

توجه به این نکته نیز ضروری است که ساختار درونی گروهی از کشورهای این منطقه همچنان قبیله‌محور بوده و از این رو بالقوه مستعد درگیری و منازعه هستند.

۵-۲. زمینه‌های شکل‌گیری تنوع قومی در ج.ا.ایران

با اهمیت‌ترین موضوعی که در گسترش تنوع قومی در ایران زمین تأثیر بسزایی دارد، مسئله جغرافیا و عوامل طبیعی است. افزون بر آن می‌توان به علل زیر نیز اشاره کرد:

- (۱) گسترش حیات متحرک و کوچ‌نشینی،
- (۲) عامل بیکاری و اشتغال در بخش خدماتی و اداری،
- (۳) کوچ اجباری (تبعید) به نقاط دیگر کشور، به دلیل پیشگیری از اتحاد و انسجام و مقابله با دولت، برای مثال در زمان صفویه.
- (۴) استفاده حکومت‌ها از سوارکاری و جنگجو بودن اقوام در جنگ‌های خود.
- (۵) موقعیت عالی برخی مناطقی از کشور.
- (۶) جذابیت شهری و رشد یکطرفه امکانات رفاهی و تفریحی و....
- (۷) مهاجرت افراد به علت شرایط نامساعد زندگی.

۳. حربه تحریک اقوام از سوی بیگانگان

۳-۱. تجارب گذشته

در ایران حمایت ابرقدرت‌های رقیب از تحولات قومی منطقه‌ای و تحرکات واگرایانه شیخ خزعل تا تشکیل حکومت‌های خودمختار آذربایجان و مهاباد، قابل توجه است.

پیش از انقلاب مشروطه نیز دو کشور همسایه یعنی روسیه تزاری و انگلستان با انواع ابزارها از جمله تحمیل جنگ، حمایت از جنگ‌سالاران محلی، تحریک رؤسای ایلات و عشایر و اعمال سیاست‌های تفرقه‌افکنانه و با تضعیف حکومت مرکزی، اهداف سیاسی و اقتصادی و گسترش طلبانه خود را در ایران تعقیب می‌کردند.

در خصوص تحرکات ناهمساز محلی در بعد از انقلاب مشروطه، در حالی که شیخ خزعل از حمایت‌های آشکار و نهان انگلیسی‌ها بهره می‌برد، با تحکیم مبانی قدرت رضاشاه، انگلیسی‌ها با کاستن از حمایت‌های خود از تلاش‌های واگرایانه نیروهای ناهمساز قومی - محلی، شیخ خزعل را در مقابل رضاشاه تنها گذاردند.

در جریان وقایع آذربایجان و کردستان بین سال‌های ۲۵-۱۳۲۴، اتحاد جماهیر شوروی سابق در برابر دولت مرکزی و رقبای انگلیسی و آمریکایی از حربه قومیت‌ها بهره بُرد، در حالی که نقش شوروی‌ها در حمایت از این دو جریان آشکار می‌باشد، نقش سیستم دیکتاتوری مطلقه رضاشاه و وضعیت نابسامان پس از اشغال نظامی نیز در سوق‌دهی اقوام ایرانی جهت کسب حمایت علنی از سوی شوروی‌ها غیرقابل کتمان است.^(۱۰)

در رابطه با رژیم پیشین نیز باید گفت که بین سال‌های ۵۷-۱۳۲۶ یعنی حدود سه دهه، منازعه قومی جدی در داخل کشور رخ نداد. علت عمده این امر در همسازی و همسویی ایران با ساخت نظام بین‌الملل از طریق همکاری تنگاتنگ با ایالات متحده و بلوک غرب و نیز همزیستی مسالمت‌آمیز با اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق نهفته

است. ایران در طول این سه دهه، با استقرار و به‌کارگیری کمترین نیروی نظامی در حاشیه مرزهای کشور، حد مناسبی از امنیت را به وجود آورده بود.

۲-۳. اقدام‌های آمریکا برای تحریک اقوام در ج.ا.ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به ماهیت جمهوری اسلامی و تضاد با سنخ نظام بین‌الملل اعم از شرق کمونیست و غرب کاپیتالیست، بیشترین آسیب‌پذیری‌ها از ناحیه مناطق حاشیه مرزهای کشور متوجه جمهوری اسلامی شد و حربه قومیت‌ها به تناوب از سوی قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و برخی قدرت‌های منطقه‌ای به صورت ابزار فشار و در جهت تعدیل مواضع انعطاف‌ناپذیر جمهوری اسلامی ایران مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

همان‌گونه که بیان شد از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده تلاش‌های فراوانی را جهت مهار و در صورت امکان سرنگونی انقلاب انجام داده‌اند. این تلاش‌ها شامل طیفی از سیاست‌های نرم‌افزارانه نظیر تحریم‌های اقتصادی، تهاجم فرهنگی تا اقدام و راهبردهای سخت‌افزارانه نظیر تحمیل جنگی هشت ساله بوده است، ولی با عنایت خداوند، رهبری هوشمندانه بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر فرزانه انقلاب، حمایت همه‌جانبه مردم از نظام و استفاده مناسب از شرایط و امکانات، دشمنان در رسیدن به اهدافشان ناکام مانده‌اند. روندهای موجود حاکی است در شرایط کنونی دشمن زخم خورده در راستای رسیدن به اهدافش، سیاست‌های خود را معطوف ایجاد شکاف‌های ملی بین اجزاء اصلی هویت و ملیت ایرانی نموده است. پرواضح است وجود نارضایتی در کنار ایجاد شکاف‌های اجتماعی شرط لازم موفقیت تهاجمات دشمن بیرونی است، بنابراین گفتمان ایجاد «اختلاف قومی» در دستور کار تصمیم‌سازان نظام‌های غربی به‌ویژه آمریکا قرار گرفته است.

مؤسسه امریکن اینتر پرایز که از جمله مرکز تأثیرگذار در تصمیم‌سازی‌های جمهوری‌خواهان و محافظه‌کاران ایالات متحده به شمار می‌آید، در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۵

کنفرانسی را برگزار نمود. اداره‌کننده این نشست، مایکل لدین^۱ از عناصر همسو با منافع رژیم صهیونیستی و شخصیت مهم جریان نومحافظه‌کاری بود. در این جلسه، بیشتر ایرانی‌های خارج از کشور که در مؤسسات گوناگون عضویت دارند، به سخنرانی پرداخته‌اند. محور اصلی و عنوان این جلسه، «ایران ناشناخته: مورد دیگری برای فدرالیسم» بود. این عنوان به خوبی می‌تواند بازگوکننده محتوای این جلسه باشد. در یک کلام عقیده سخنرانان، ایران نسبت به عراق یا افغانستان از زمینه مناسب‌تری برای فدرالیسم برخوردار است. تنوع قومی و کمیت قابل ملاحظه آنها، دلیل اصلی این مدعای شرکت‌کنندگان بود. البته بین سخنرانان در برخی موارد اتفاق نظر وجود نداشته است؛ به عبارتی بعضی از آنها معتقد بودند اقوام ایرانی در طی تاریخ همواره دارای یک هویت واحد بوده‌اند. در مقابل گروهی نیز این توصیه را تجویز می‌نمودند که آمریکا به جای حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور باید با حمایت از اقلیت‌های قومی - مذهبی، زمینه تحول سیاسی را در ایران فراهم کند.^(۱۱)

به طور کلی طرفداران راهبرد و ایده تحریک قومیت‌های ایران معتقدند در کنار طراحی‌های نظامی جهت حمله به ایران برای مثال با استفاده از پایگاه‌های نظامی در جمهوری آذربایجان (که البته می‌تواند یک جنگ روانی باشد)، باید از ظرفیت‌های موجود در بین اقوام ایرانی نیز استفاده نمود.^(۱۲)

تحلیل محتوایی مباحث مطرح شده در رسانه‌های غربی بیان‌گر این موضوع است که آنها به اشکال گوناگون در صدد القای این ایده هستند که جمهوری اسلامی در پی پاکسازی قومی^۲ نظیر آنچه در کوزوو یا دارفور اتفاق افتاد، می‌باشد.

^۱ . Michael Ledeen

^۲ . Ethnic Cleaning

افزون بر وارد کردن این اتهامات، آمریکایی‌ها در عرصه عمل نیز برنامه ویژه‌ای را طراحی نمودند. مطالعه ادبیات تولید شده و نوع سیاست‌های اتخاذی مبین آن است که آنها در برآوردهایشان جایگاه ویژه‌ای به اقوام عرب و آذری ایران داده‌اند. در راستای ایجاد این گفتمان جدید، برخی از نویسندگان به تولید متون لازم اقدام نموده‌اند. در این خصوص می‌توان به اثر برندا شافر، مدیر مطالعات خزر در دانشگاه هاروارد، اشاره کرد که مدعی شده است یکی از چالش‌های جمهوری اسلامی، مسئله هویت آذربایجانی‌هاست. او مدعی است که آذری‌های ایرانی که بیش از یک‌چهارم جمعیت کشور را دارا هستند، بیش از هر زمان دیگری به سیاست‌سازان آمریکا در رابطه با اعمال سیاست تغییر رژیم در ایران علاقمند شده‌اند. به نظر او، آذری‌های ایران یک منبع بالقوه بی‌ثباتی برای تهران قلمداد می‌شوند. به عقیده او، رفتار جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حمایت از ارامنه در منازعه قره‌باغ بیش از آن که ناشی از سایر ملاحظات باشد، به دلیل هراس از تقویت ایده جمهوری‌خواهی آذری‌ها بود.^(۱۳) بدیهی است که سیاست‌سازان آمریکایی در جهت رسیدن به اهداف خود حداکثر بهره‌برداری را از منابع و امکانات خود خواهند نمود. از جمله این امکانات حضور اساتید ایرانی در دانشگاه‌های غربی و آمریکایی است. از جمله این افراد، آقای چهرگانی است که او نیز مدعی شده است ناسیونالیسم آذربایجانی در ایران در حال رشد می‌باشد. او پیش‌بینی نموده بود که این روند احتمالاً منجر به ناآرامی‌هایی در ۳-۵ سال آینده خواهد شد.^۱ البته او تلویحاً این نکته را نیز مطرح می‌کند که این روند در واقع واکنشی در قبال آن چیزی است که او از آن تحت عنوان «شوونیسم فارسی» نام می‌برد.^(۱۴)

قوم عرب و به خصوص استان خوزستان قومیت دیگری است که توجه بسیاری از مراکز تحقیقاتی و کارشناسان غربی و آمریکایی را به خود معطوف نموده است.

^۱ وجود ثبات در مناطق آذری‌نشین دلیل روشنی در مورد شناخت غلط کارشناسان غربی و خارج‌نشین است.

مایکل روبین^۱ از جمله این افراد است که در مطلب خود پیش‌بینی نموده خوزستان و بلوچستان ایران تهدیدی برای ثبات جمهوری اسلامی هستند.^(۱۵) این گروه از افراد، خوزستان را پاشنه آشیل^۲ ایران می‌دانند. در خصوص دلایل این برداشت آنها می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد:

(۱) همسایگی با عراق و پیوندهای قومی میان اعراب در دو سوی مرز

(۲) وجود منابع و ذخایر عظیم نفت

(۳) نزدیکی نیروهای آمریکایی و انگلیسی به این مناطق و برقراری ارتباط با

برخی از نیروهای اثرگذار منطقه

به هر حال عوامل یادشده در کنار تحریک اقوام این منطقه می‌تواند بستر بسیار مناسبی برای تهاجم دشمنان فراهم کند. در منابع موجود سایت‌های آمریکایی از جمله سایت وابسته به وزارت دفاع آمریکا، قرائنی در این رابطه به چشم می‌خورد. مطرح شدن راهبردهایی همچون The Khuzestan Gambit (هر چند مطلب جدیدی نمی‌باشد) از جمله این موارد است.^(۱۶) تحولات سال‌های اخیر نشان می‌دهد که غرب (به خصوص آمریکا و انگلیس) روی موضوع قومیت‌های ایران بسیار حساب کرده‌اند.^(۱۷)

۴. سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران

۴-۱. دیدگاه امام خمینی (ره)

خط‌مشی حضرت امام (ره) از آغاز نهضت اسلامی مبتنی بر اندیشه وحدت اسلامی و نگرش امت‌مدارانه به مسائل جهان اسلام بود و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطف این آرمان توحیدی به شمار می‌رود؛ چرا که امام (ره) این خط‌مشی را با وحدت

کلمه و ایجاد وحدت ملی در ملت ایران آغاز نمود تا مقدمه‌ای برای انقلاب وحدت‌بخش همه مسلمانان و مستضعفان جهان باشد. ایشان در راستای پیشبرد اهداف جهانی اسلام و تحقق امت واحد اسلامی هرگز پایبند به محدودیت‌های ملی نبود. امت اسلامی در اندیشه امام (ره) شامل همه مسلمانانی است که ورای مرزهای جغرافیایی و اختلاف‌های نژادی زبانی و قومی قرار می‌گیرند و فارغ از هر مذهب، پیرو دین اسلام هستند. امام خمینی (ره) با استفاده گسترده از محبوبیت خویش، ملت را ترغیب کردند به اسلام‌شناسان و فقهای رأی دهند که تمامی کوشش خود را در راه اسلامی کردن قانون اساسی به کار می‌گیرند. ایشان از این طریق توانستند قصد دیرینه خود را مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی به منصفه ظهور برسانند:

فقیهی این چنین و رهبری با این مراتبِ علاقه‌مندی به اسلام و تشیع، قطعاً نسبت به قومیت‌ها نمی‌توانست بی‌تفاوت باشد:

«من مکرراً اعلام کرده‌ام در اسلام، نژاد، زبان، قومیت و ناحیه مطرح نیست بعضی از همین‌هایی که مخالف با اسلام هستند، دست و پا می‌زنند که جدا کنند گروه‌ها را از گروه، پخش کنند بین مردم که گردها علیحده‌اند، بلوچ‌ها علیحده‌اند، فارس‌ها علیحده‌اند، ترک‌ها علیحده‌اند و اینها را گروه گروه کنند، در صورتی که اسلام برای هیچ‌کس امتیازی قائل نیست الا برای آنکه به طریقه اسلام رفتار کند و متقی باشد... از اول پیروزی انقلاب تاکنون در هر موقعیتی که پیش آمده اعلام کرده‌ایم در اسلام کُرد و ترک و فارس و بلوچ و لر و ترکمن و غیر اینها مطرح نیست، اسلام برای همه است و جمهوری اسلامی حق همه گروه‌ها را با عدالت اسلامی ادا خواهد کرد»

ایشان در جایی دیگر چنین می‌فرمایند:

«طوائفی که در ایران هستند مثل کُرد و لر و ترک و فارس و بلوچ و امثال اینها... این را البته من میل ندارم که اسمش را اقلیت‌ها بگذارند... جدایی نیست ما بین دو تا مسلمی که با دو زبان صحبت می‌کنند. (۵۸/۹/۲۶)

به نظر امام خمینی (ره) تمامی اقوام در برابر قانون برابرند:

«گُردها یا غیرکردها و همه طوایفی که در ایران زندگی می‌کنند، همگی در مقابل قانون علی‌السواء هستند، در مقابل دولت علی‌السواء هستند. هیچ فرقی بین گُرد و ترک و لر و غیره نیست.» (۵۸/۸/۱۷)

۲-۴. دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری نیز مانند بنیانگذار جمهوری اسلامی با نگاه دوراندیشانه خود، دیدگاهی بسیار مترقی در مورد اقوام داشته و مانع شکل‌گیری هرگونه رویکرد واگرایانه قوم‌محور شده‌اند. به باور ایشان اساسی‌ترین سیاست دشمنان نظام اسلامی در قبال اقوام ایرانی «نفی یکپارچگی ملی» و «ایجاد تفرقه میان اقوام» به بهانه‌های گوناگون است: «یک سیاست خباثت‌آلودی از آغاز انقلاب سعی کرد اقوام ایرانی را از یکدیگر جدا کند و با بهانه‌های مختلف، بیکره عظیم ملت ایران را تکه تکه کند. با هر قومی از اقوام متنوع ایرانی، فارس، تُرک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و لر، جداگانه یک تلقین شیطنانی را در میان می‌گذاشتند تا دل‌ها را از هم چرکین کنند. به تهرانی و اصفهانی چیزی می‌گفتند، به بلوچ بلوچستانی که من قبل از انقلاب مدتی را در میان آنها گذراندم حرفی می‌زدند و در کردستان سخن دیگری می‌گفتند.» (۱۸)

دشمنان برای رسیدن به این هدف خود از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند. تبلیغات و جنگ روانی یکی از این ابزارهاست و «دشمنان با تبلیغات خود، با جنگ روانی خود، با تلاش‌های موزیانه گوناگون خود سعی می‌کنند بین صفوف ملت ایران اختلاف بیندازند؛ به بهانه قومیت، به بهانه مذهب، به بهانه گرایش‌های صنفی، وحدت کلمه‌ی ملت را از بین ببرند» (۱۹) «دشمنان نظام جمهوری اسلامی، آنها تبلیغ کردند که نظام جمهوری اسلامی، قوم کرد یا مذهب اهل تسنن را نمی‌پسندد یا نمی‌پذیرد» (۲۰) برجسته کردن ناسیونالیسم‌های مختلف به نحوی که «هر جا اقلیتی وجود داشت، به تقویت ناسیونالیسم افراطی قومی آن اقلیت می‌پرداختند» (۲۱) و «نفی عامل حقیقی وحدت یعنی دین»، در کنار

«امنیتی و نظامی کردن مناطق قومی» و «سوءاستفاده حداکثری از اختلافات مذهبی و قومی» از ابزارهای اصلی دشمنان برای ضربه به وحدت ملی محسوب می‌شود. در این بین، روشنفکران وابسته نیز به ایفای نقش پرداختند: «اختلافات قومی و ملی ناشی از ملی‌گرایی افراطی که بیشتر به دست روشنفکران وابسته دامن زده می‌شود» (۲۲).

۱-۲-۴. فرصت دانستن تنوع اقوام

بیشتر کشورهای دنیا با مقوله تنوع اقوام مواجه هستند و «معمولاً در کشورهای مختلف تعدد اقوام و قومیت‌ها یکی از نگرانی‌های آنهاست؛ در کشور ما به عکس است» (۲۳). «تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است»، (۲۴) زیرا «ایران یکپارچه است» (۲۵) و مانند «شوروی متشکل از سرزمین‌های به هم سنجاق شده نیست». (۲۶) «حتی آن قسمت‌هایی هم که در قرن‌های گذشته جدا شدند، اگر ته دلشان را بگردید، مایلند با ما باشند». هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

آنها هم دلشان می‌خواهد که به این مادر بپیوندند. این کجا، کشور اتحاد جماهیر شوروی کجا؟ ده، یازده کشور را با سنجاق یا به تعبیری با شلاق به هم بستند و به اصطلاح یک کشور تشکیل گردید! معلوم است که تا شلاق برداشته شد، از هم جدا می‌شوند و شدند» (۲۷)

بر همین اساس رهبر انقلاب از یک سو در رهنمودی به نمایندگان دوره هفتم مجلس شورای اسلامی می‌فرماید: «همه تمایلات منطقه‌ای و قومی و بخشی باید در پرتو نگاه ملی برآورده شود» (۲۸) و از سوی دیگر بر امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی مردم این مناطق به عنوان یک سرمایه و ثروت ملی نظر افکنده می‌شود: «زبان کردی یک ثروت ملی است، استعدادهای علمی و هنری جوانان این جا یک ثروت ملی است، استعداد ورزشی جوانان کردستان یک ثروت ملی است؛ از این ثروت‌های ملی باید استفاده بشود، بهره‌برداری بشود، به فعلیت برسد» (۲۹)

۲-۲-۴. مخالفت با تبعیض میان اقوام

رهبر انقلاب دربارهٔ عدم تبعیض میان اقوام ایرانی می‌گویند: «نظام جمهوری اسلامی مطلقاً با نگاه تبعیض‌آمیز نگاه نمی‌کند؛ نه به کردستان و نه به هر نقطهٔ ویژهٔ دیگری در سرتاسر کشور. [...] نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و تنوع مذهبی مطلقاً نگاه تعصب‌آمیز، قوم‌گرا، یک‌جانبه‌نگر نیست. این را به طور قاطع من اعلام می‌کنم. نه امروز هست، که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته در دههٔ ۶۰، زمان حیات مبارک امام رضوان الله تعالی علیه چنین چیزی نبوده»^(۳۰)

جمهوری اسلامی افزون بر اینکه سیاست غلط رژیم گذشته را مبنی بر بیگانه‌انگاشتن اقوام نفی نمود و «این نگاه را تصحیح کرد؛ نه فقط در سطح مسئولان، بلکه در سطح آحاد مردم»^(۳۱) و نگاه اسلامی را که مبتنی بر «برادری و اتحاد و همدلی و صمیمیت است»،^(۳۲) جایگزین آن نمود، بنابراین در تمام برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای، تبعیضی میان مردم سراسر کشور به خصوص مناطق قومی قائل نشد. اما در سال‌های آغازین انقلاب با وجود برنامه‌ریزی برای حل مشکلات ناشی از رژیم گذشته، «حضور ضد انقلاب» و «ایجاد ناامنی در این مناطق» مانع از فعالیت نظام اسلامی و در نتیجه موجب عقب‌افتادن این مناطق از توسعه و به ویژه در حوزهٔ زیرساخت‌ها شد و «ضدانقلاب این فرصت را متأسفانه برای مدت چند سال از دست نظام جمهوری اسلامی گرفت»^(۳۳)

۲-۲-۳. مشارکت اقوام ایرانی در سرنوشت خود

حاکم نبودن نگاه تبعیض‌آمیز به اقوام در نظام جمهوری اسلامی ایران موجب نقش‌آفرینی عموم مردم از اقوام مختلف و نخبگان در حوزه‌های گوناگون خواهد شد. وجود «انواع سلیقه‌ها و گرایش‌های سیاسی و اقوام ایرانی و پیروان ادیان و اهالی مناطق گوناگون کشور در مجلس»^(۳۴) نشان از حضور و نقش‌آفرینی تمامی اقوام ایرانی در قانونگذاری دارد. نبود مرزبندی قومی و مذهبی برای حضور در بسیج نیز نشانهٔ دیگری از نقش اقوام ایرانی در یک جمع ارزشی و انقلابی و نقش‌آفرینی آنها در دفاع از نظام اسلامی است. به فرمودهٔ رهبر انقلاب: «بسیج، مرز صنفی و مرز جغرافیایی و قومی نمی‌شناسد.

همه اقوام ایرانی، همه اصناف گوناگون ملی در سطوح مختلف فکری از انسان‌های نخبه برجسته ممتاز در میان اهل علم و دانشجویان تا جوان‌های فعال و پرشور صحنه‌های دیگر، همه در بسیج جمع‌اند. بسیج نماد حضور ملی و مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است» (۳۵)

رهبر معظم انقلاب بر استفاده از روحیه قومی برای پیشرفت ملی تأکید می‌کنند: «هر قومی از اقوام ایرانی، چه کرد، چه فارس، چه ترک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لر، سعی کند با همان روحیه قومی در جهت پیشرفت ملی، نه صرفاً پیشرفت قومی، گام‌های بلندتری بردارد» (۳۶)

۴-۲-۴. اعطای حقوق مسلم اقوام

در نظام اسلامی مقوله «قومیت» و «مذهب» هیچ گاه مانع شناسایی و اعطای حقوق مسلم اقوام ایرانی نخواهد بود، بلکه «نظام جمهوری اسلامی محور قضاوتش، اسلام و ایرانی بودن است؛ اسلام و ایرانیت. همه مسلمان‌ها و همه ایرانی‌ها در این نگاه، در محدوده جغرافیایی کشور دارای ارزش هستند» (۳۷) بنابراین «ما وقتی که می‌خواهیم یک ایرانی را به‌عنوان یک ایرانی به حقوق حقه خودش برسانیم، از او سؤال نمی‌کنیم که مذهب و یا حتی دین تو چیست. نه، مواظن ماست و از حقوق همشهری‌گری با ما دارد استفاده می‌کند و در این مملکت زندگی می‌کند؛ چیزی باید بپردازد، کاری باید بکند و حقوقی هم دارد. حق امنیت، حق زندگی، حق کار، حق تلاش، حق تحصیل و فرهنگ دارد» (۳۸) از سوی دیگر «امنیت، حق عمومی و متعلق به همه مردم در سراسر کشور است و اقوام مختلف، زبان‌های مختلف، عادات مختلف و ادیان مختلف از آن بهره می‌برند» (۳۹)

۴-۲-۵. جدا کردن حساب اقوام ایرانی از اشرار و فریب‌خوردگان

از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران جدا دانستن حساب اقوام از اشرار و فریب‌خوردگان است. این سیاست در مقابله با تبلیغات دشمنان که در تلاش بودند تحریکات علیه جمهوری اسلامی ایران را در مناطق قومی به حساب اقوام بگذارند، بسیار کارآمد و مؤثر بود، بنابراین حضور برخی از اشرار در بعضی مناطق نه تنها جمهوری اسلامی ایران را نسبت

به مردم منطقه بدبین نمی‌کند، بلکه نظام را بر آن می‌دارد که منطقه را از لوٹ وجود آنها با همکاری مردم منطقه پاک نماید. رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم سقز به این تفکیک اقوام از اشرار تأکید می‌کند: «به عموم ملت ایران از اقوام گوناگون هم بگویم، مبدا به اشتباه بیفتند. مبدا رفتار گروه‌های اندک شمار که پنجه به چهرهٔ انقلاب و جمهوری اسلامی می‌زدند، به حساب این مردم عزیز، این جمعیت انبوه، این دل‌های وفادار نوشته بشود. تعداد معدودی انسان‌های شریر یا فریب خورده که در هر نقطه‌ای پیدا می‌شوند، در کردستان و در غیر کردستان، حساب اینها از حساب متن مردم عزیز این استان به کلی جداست»^(۴۰) و خود مردم با این افراد برخورد می‌کنند. وجود گروه «پیشمرگان کُرد مسلمان» یکی از مصادیقی است که ایشان در اثبات این مطلب بیان می‌کنند: «در همان دورانی که در این جا و جاهای دیگر، یک عده ایادی بیگانه به نام مردم کُرد حرف‌هایی می‌زدند که مردم کرد روحشان از آن حرف‌ها خبر نداشت، آن روزی که در این استان و استان‌های همجوار، دست‌های شیطنت‌آمیز دشمنان به فکر فتنه و برادرکشی بودند، خود مردم این استان در صفوف مقدم قرار گرفتند؛ یاد مجموعهٔ رشید و پرافتخار پیشمرگان کُرد مسلمان هرگز از خاطرهٔ آن کسانی که مجاهدات آنها را دیدند، نخواهد رفت.»^(۴۱)

۶-۲-۴. اهانت به مقدسات یکدیگر؛ خط قرمز نظام اسلامی

در نظام اسلامی «اهانت به ارزش‌ها و مقدسات گروه‌های مختلف قومی و مذهبی» که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند، به‌عنوان «خط قرمز» معرفی شده است. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «دشمن امید بسته است که بتواند پیروان مذاهب گوناگون را مقابل هم قرار بدهد. هیچ کس نباید تسلیم این نقشهٔ خائنانه و خباثت‌آمیز دشمن بشود. آنها می‌خواهند شیعه در مقابل سنی، سنی در مقابل شیعه، دل‌ها از هم چرکین، نسبت به هم بدبین، آنها این را می‌خواهند. برای همین است که من اعلام کردم، باز هم تأکید می‌کنم خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر.»^(۴۲)

رهبر معظم انقلاب با «اعلام حرمت تقلید لهجهٔ قومیت‌ها در صورت تمسخر لهجه»، به ریشه‌یابی این نقشهٔ استعمار می‌پردازند: «غالب این شهرهایی که لهجه‌های آنها تقلید

می‌شود، شهرهایی هستند که دارای مردم غیرتمندی هستند که در حوادث مهم صد سال پیش در مقابل دشمنان و مهاجمین ایستاده‌اند. این تصادفی نیست. این تقلید هم سابقه ندارد؛ یعنی توی هیچ یک از این کتاب‌های ادبی و طنز و غیره ما ندیدیم که یک حرفی باشد که نشان‌دهنده تقلید لهجه باشد. این مال همین اواخر است؛ یعنی مثلاً از صد سال پیش به این طرف؛ یعنی از وقتی که کشور ما در مواجهه با این دشمنی‌ها قرار گرفته، یکی از مناطقی که ایستادگی سرسخت کرده، مناطق شمال است، منطقه گیلان، یکی از مناطق، منطقه خراسان است؛ یکی از مناطق، مناطق آذربایجان است. اینها آن جاهایی هستند که مردمش سرسختی و سلحشوری نشان دادند. اتفاقاً سعی شده است که همین‌ها از لحاظ لهجه در بین مردم سبک بشوند. یعنی تقلید می‌شود. «^(۴۳)

تنوع قومی در ایران - به دلیل وجود مؤلفه‌های حقیقی همبستگی میان اقوام و قرار گرفتن هویت قومی به عنوان جزو لاینفک هویت ملی - یک فرصت قلمداد می‌شود. پس هر چه مؤلفه‌های هویت قومی با توجه به هویت ملی تقویت شود، هویت و همبستگی ملی نیز تقویت خواهد شد: «سنت‌های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعداد‌های گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزای گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند؛ با مرادفات درست و با هم زیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسئله تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبان‌های مختلف، ولو از ملت‌های گوناگون، تفاوتی نیست؛ چه برسد به اقوام مختلف در میان یک ملت. نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است. لذاست ما به منطقه کُردی، استان کردستان و مناطق اقوام دیگر با نگاه اسلامی نگاه می‌کنیم.»^(۴۴)

۳-۴. رویکرد قانون اساسی به قومیت‌ها

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن پافشاری بر مفاهیم و عبارت‌هایی مانند اصول و ضوابط اسلامی به عنوان خواست قلبی امت اسلامی، طراحی طرح حکومت اسلامی، تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی، تکیه بر جهان‌بینی اسلامی،

حکومت صالحان به‌عنوان وارثان، نفی سلطه طبقاتی و گروهی و تکیه بر امت واحد اسلامی، نشان داد اصل و اساس عبارت از است اسلام و تشیع راستین و اجتهاد انقلابی و بقیه معیارهای تفرقه افکن، مطرود است؛ به همین دلیل حتی، با آنکه در پیش‌نویس قانون اساسی از اقوام ایرانی، به صورت مجزا نام برده شده بود، تصمیم گرفته شد پیشنهاد حذف نام اقوام و اکتفا به اسم بردن از همه افراد ملت عملی گردد که صورت کنونی اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

اصل نوزدهم

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

۴-۴. رویکرد سند چشم‌انداز بیست ساله کشور به اقوام

در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به مقوله قومیت‌ها اشاره شده است. آنچه در ادامه از برخی بندهای این سند مستفاد می‌گردد بیانگر دیدگاه‌های دولت و نظام اسلامی در خصوص اقوام می‌باشد. در بند «ی» از ماده ۱۱۴ این سند چنین آمده است:

«به‌منظور حفظ آثار و فرهنگ سنتی، قومی، ایلی، ملی و ایجاد جاذبه برای توسعه صنعت گردشگری در کشور، دولت مکلف است نسبت به ایجاد مراکز حفظ آثار و فرهنگ ایلی در شهرستان‌ها و استان‌های کشور از قبیل دهکده توریستی، مراکز و اطراق‌های تفرجگاهی ایلی، موزه و نمایشگاه اقدام نموده و با پیش‌بینی اعتبارات و تسهیلات لازم در قانون بودجه سالانه اقدام نماید. مشارکت بخش دولتی و خصوصی و واگذاری زمین امکانات اعطای تسهیلات به بخش خصوصی برای اجرای این‌گونه پروژه‌ها بلامانع است. آیین‌نامه اجرایی این بند به پیشنهاد مشترک وزارت جهاد کشاورزی (سازمان امور عشایر

ایران) و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دفتر مناطق محروم کشور - ریاست‌جمهور به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید».

فصل یازدهم (توسعه امور قضایی) (بند ۳ ماده ۱۳۰) این سند نیز به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقوام به‌عنوان یکی از ارکان ثبات‌ساز اشاره شده است:

«رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، قومی و گروهی، در قلمرو حقوقی و قضایی».

در بند هـ ماده ۱۰۰ سند چشم‌انداز نیز توجه ویژه‌ای به مباحث فرهنگی اقوام شده است؛ در واقع رویکرد این ماده، تولید و بازتولید و تقویت سرمایه اجتماعی ملی است. احترام و وحدت اقوام، زمینه‌ساز و جان‌مایه اعتماد اجتماعی و ملی است که وجود آن، بزرگترین مزیت راهبردی برای کشور خواهد بود:

«ترویج مفاهیم وحدت‌آفرین و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی».

۵-۴. اقوام در سیاست‌های کلی نظام

در سند سیاست‌های کلی آمایش سرزمین مصوب ۹۴/۹/۲۱ مقام معظم رهبری نیز به مقوله اقوام و یکی از سازوکارهای اثربخش در این حوزه توجه شده است. در این سند یکی از راه‌های توجه به یکپارچگی ملی و سرزمینی و تقویت هویت اسلامی ایرانی و مدیریت سرزمین (بند ب) «تنظیم اثربخش رابطه دولت و مردم و افزایش سازمان‌یافته سهم مردم در امور کشور با توجه به سیاست‌های کلی مصوب در بخش وحدت و همبستگی ملی و امنیت ملی و اقوام و مذاهب، معرفی شده است.

همچنین در این سند به «ایجاد امکانات عادلانه و فرصت‌های برابر و رفع تبعیض ناروا در مناطق کشور» به‌عنوان یکی از نکات حائز توجه در دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای متناسب با قابلیت‌ها و توان‌های هر منطقه (بند د) اشاره شده است.

۵. عملکرد در دوران دفاع مقدس نمونه‌ای از همگرایی اقوام ایرانی

قومیت، ملیت و اسلامیت یک مرزبندی درونی از جزء به کل در حیطه‌های هویتی جامعه ایرانی است. درست مثل کوچکی و بزرگی رابطه فرد و خانواده که در سطح فردی، این پیوندهای نسبی بخش مهمی از هویت افراد را تشکیل می‌دهند. شهروندان برای معرفی خود به یکدیگر، نسبت‌های خانوادگی و قومی را بیان می‌کنند، ولی همین افراد در برابر سایر ملت‌ها از عناوین ایرانی، مسلمان و فارسی‌زبان برای اثبات هویت خود استفاده می‌کنند. این مثال، به درک جایگاه اقوام ایرانی در سلسله‌مراتب هویتی که یک کل یکپارچه را باهم می‌سازند کمک شایان توجهی می‌کند.

اقوام ایرانی بین خود مرزهای جامعه‌شناختی دارند، اما در مواجهه با دنیای خارج، از مرزبندی‌های جغرافیایی، ملی و اسلامی پیروی می‌کنند. زندگی گروه‌های قومی در ایران به چهار دوره کلی تقسیم می‌شود: پیش از پذیرش اسلام، پس از اسلام، دوره معاصر و به‌ویژه دوره پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی.

زخم‌های دردناکی بر پیکر اسلام عزیز از سوی دشمنان وارد آمده و جنگ‌های به‌ظاهر مذهبی و در باطن استعماری و استکباری، ترفند آنها برای مقابله با پیشرفت‌ها و نقش‌آفرینی‌های فزاینده جمهوری اسلامی ایران و متحدان آن در منطقه است که آثار ثانوی آن به تدریج، سراسر جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. غرب از تمامی ابزارهای موجود در عرصه‌های نفتی، اقتصادی، رسانه‌ای و هسته‌ای به‌طور هم‌زمان دارد استفاده می‌کند. این شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل با محوریت اسلام، یک نقطه عطف و پیچ تاریخی است.

سابقه تاریخی مؤید این است که اقوام ایرانی در حفظ و حراست از کیان ایران و اسلام همواره کوشیده‌اند و نسبت به یکدیگر مناسبات حسنه و پیوندهای مستحکمی داشته‌اند. هیچ‌گاه جامعه ایرانی شاهد چیزی به نام برخورد قومیت‌ها نبوده و وحدت اقوام ایرانی همواره باعث یاس دشمنان بوده است.

به باور بسیاری از اندیشمندان، قومیت و قوم‌گرایی به معنی سست بودن پیوندهای ملی، تزلزل مبانی وفاداری ملی و وجود ظرفیت انشقاق در انسجام ملی است. در جامعه‌ای که

قومیت‌ها در کلیت جامعه ادغام نشده باشند، می‌توان بیان داشت که هویت ملی ایجاد نشده است. با توجه به آنچه بیان شد و مطالبی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد باید گفت که جنگ تحمیلی، جلوه‌گر وجود یک هویت واحد و یکپارچه در ایران اسلامی بود.

مقاومت توصیف‌ناپذیر مردم ایثارگر خرمشهر با کمترین تجهیزات در شرایطی که نیروی متجاوز، عرب بود و تحریک‌های بسیاری را برای همراه نمودن ساکنان عرب استان خوزستان با اقدامات خود می‌نمود، بهترین نماد یک هویت مستحکم و یکپارچه است.

پس از پشت سر گذاشتن ماه‌های ابتدایی جنگ، به تدریج سازمان رزمی سپاه به‌منابه رکن رکن جنگ، شکل گرفت. از برجسته‌ترین و درخشان‌ترین ویژگی‌های این حرکت، آن بود که لشکرها و تیپ‌های این سازمان رزم، متناسب با واحدهای جغرافیایی ایجاد شد. لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله تهران، لشکر ۳۱ عاشورای تبریز، تیپ نجف اشرف اصفهان، لشکر ۷ ولی عصر خوزستان، لشکر ۱۹ فجر شیراز و... شاهد مدعای این مطلب به شمار می‌آیند. (۴۵)

زمانی که برای انجام عملیات فراخوان نیروی داوطلب اعلام می‌شد، این نیروها در تیپ‌ها و لشکرهای متعلق به منطقه خود سازمان می‌یافتند و در جنگ شرکت می‌کردند. بدیهی است وجود فرماندهان بومی در واحدها و یگان‌های رزمی، در فرآیند جذب مشارکت نیروهای قومی مؤثر بود؛ به‌ویژه هنگامی که شخصیت‌های فرهمند در مقام فرماندهی قرار می‌گرفتند، این حضور مردمی بسیار چشمگیرتر می‌شد.

دفاع مقدس مردم ایران در برابر استکبار جهانی باشکوه‌ترین جلوه‌های وحدت اقوام ایرانی است که می‌توان آن را حاصل جمهوریت و اسلامیت برآمده از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ دانست که باوجود بی‌سابقه بودن حجم و بزرگی تهدیدات خارجی، نه تنها در اثر آن یک وجب از خاک این سرزمین آسمانی از دست نرفته است بلکه برای ده‌ها سال دیگر، اگر درست از نعمات و نتایج آن بهره‌برداری شود همچنان برای دشمنان بازدارنده، هراس‌آور و در صورت وقوع هرگونه درگیری احتمالی باعث شکست آنها خواهد بود.

مردم ایران از همه اقوام و ساکنان آن به این سفارش قرآنی «و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» به‌خوبی عمل کرده‌اند. وحدت اقوام ایرانی حاصل پیروی از اسلام ناب محمدی(ص)، ارزش‌های ملی و فرهنگ ایرانی است.

در کنار این تجربه عینی، نتایج بررسی‌های میدانی نیز مؤید این واقعیت است که رویکرد و گرایش قومیت‌های کشور، همگرایی است؛ برای مثال نتایج تحقیقی نشان داده که ۷۳/۵٪ (به‌میزان خیلی زیاد و زیاد) از نمونه آماری جوانان عرب، به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند، ۷۸/۵٪ نیز عرب بودن خود را در جغرافیای ایران اسلامی تعریف می‌نمایند و ۸۸٪ نیز تعلق جغرافیایی خود را در سه سطح «شهر خود، ایران و خوزستان» تعیین کرده‌اند^(۴۶) (اکوانی، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۱۴).

در تحقیقی دیگر نیز این نتیجه به‌دست آمد که دانشجویان کرد، آذری و عرب، هویت قومی و ملی خود را در طول یکدیگر دانسته که مکمل یکدیگرند.^(۴۷) (ربانی، ۱۳۸۸: ۱۵۴)

۶. نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مقدمه اشاره گردید هدف اصلی این مقاله، بررسی ژئوپلیتیک اقوام در منطقه غرب آسیا با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران بود. در راستای نیل به این هدف، در ابتدا پس از ارائه مطالبی در مورد ژئوپلیتیک، جایگاه مباحث قومیتی در مطالعات امنیتی تبیین شده و در ادامه ضمن بررسی وضعیت اقوام در منطقه غرب آسیا، این نکته استنتاج گردید که اقوام در این منطقه دارای کارکردی دوگانه هستند. در برخی از کشورها، قومیت‌ها واگرا بوده و خواهان جدایی‌طلبی بوده (مانند اکراد در ترکیه) و حتی در برخی موارد مانند اقلیم کردستان عراق گام‌هایی نیز برداشته‌اند، در بعضی دیگر از کشورها مانند ج.ا.ایران، اقوام با دولت مرکزی رویکردی همگرایانه دارند.

در ادامه، سیاست‌های بیگانگان پیش از انقلاب اسلامی و آمریکا پس از جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد که سیاست تحریک (هر چند بطئی) قومیت‌ها و ایجاد ناآرامی‌های داخلی در دستورکار ایالات متحده و متحدان غربی این کشور قرار گرفته است. مراکز تحقیقاتی به مثابه یکی از ارکان

تصمیم‌سازی از طریق برگزاری نشست‌های تخصصی، انتشار کتب، تألیف مقالات و... نقش برجسته‌ای در تولید و بازتولید این گفتمان ایفاء می‌نمایند. این موضوع، تجلی واقعی عقیده میشل فوکو، مبنی بر وجود رابطه بین «علم و قدرت»، می‌باشد؛ رابطه‌ای که در خدمت «منافع ملی» تعریف شده است. در چنین شرایطی موضوع اقلیت‌ها می‌تواند با توجه به اینکه بیشتر اقوام کشور، در استان‌های مرزی ساکن هستند، برای جمهوری اسلامی آسیب‌پذیری ایجاد کند، از این‌رو ضروری است برای این موضوع تدابیر و راهبردهایی طراحی شود.

دیگر یافته این مقاله آن است که باوجود تلاش‌های دشمنان، نگاه فرصت‌محور جمهوری اسلامی به اقوام، زمینه بسیار مناسبی برای استفاده از ظرفیت عظیم قومیت‌های کشور فراهم کرده است. واقعیت‌های موجود بیانگر آن است که باوجود تلاش‌های قدرت‌های استکباری و دشمنان ایران اسلامی، اقوام کشور خود را بخشی از هویت ایرانی دانسته و در راستای دفاع از جغرافیای ایران، جان‌فشانی‌ها نموده‌اند که عملکرد بی‌نظیر آنها در دوران دفاع مقدس نمود بارز این واقعیت می‌باشد.

پیشنهادها

هدف اصلی در طراحی و تدوین سیاسی قومی معطوف به تقویت هرچه بیشتر یکپارچگی، همبستگی وحدت و وفاق ملی یا اجتماعی در سطح کشور می‌باشد. در ادبیات علوم اجتماعی از این وضعیت تحت عناوینی مانند مهندسی اجتماعی، ملت‌سازی، وفاق اجتماعی، وحدت نمادی، یکپارچگی ملی یاد می‌شود، بنابراین پیگیری سیاسی قومی در ایران باید متضمن هدایت بخش عمده‌ای از توانایی‌ها و استعداد‌های برنامه‌ریزی در مدیریت سیاسی جامعه و اتخاذ رویکردهای مناسب در حوزه فرهنگ، تبلیغات و ارتباطات و... باشد. اصول حاکم بر سیاست قومی در ایران باید منتهی به تقویت اشتراکات و تلاش برای نزدیکی اقوام با همدیگر باشد و به این نکته توجه داشت که هرچه محورها و اصول مورد توافق جمعی افزایش یابد، امکان و احتمال هماهنگی و همدلی بیشتر خواهد بود، در

ادامه برخی عوامل برای مقابله با قومیت‌گریزی اقوام و تأثیرگذاری بر امنیت ملی در کشور پیشنهاد می‌گردد:

- (۱) تأکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی و حفظ و ترویج ارزش‌های اسلامی
- (۲) تقویت عوامل تشکیل‌دهنده هویت ملی در برابر هویت‌های قومی و محلی
- (۳) تأکید بر موارث فرهنگی با پیشینه مشارکت همزیستی دائمی اقوام و دخالت تاریخی اقوام در حاکمیت
- (۴) تأکید بر زبان فارسی (به‌گونه‌ای که از کاربرد دیگر زبان‌ها و گویش‌ها جلوگیری نشود)
- (۵) تأکید بر توسعه همه‌جانبه در کل کشور و ایجاد و پیگیری‌های طرح‌های عمرانی و.. در مناطق قومیت‌نشین
- (۶) کاهش محرومیت‌ها در مناطق قومی
- (۷) مقابله جدی با جریان‌های قومی واگرا و سیاست‌های مداخله‌جویانه بیگانگان و سوءاستفاده از اقوام (در سطح کلان)
- (۸) حساسیت‌زدایی در مورد رشد مطبوعات، زبان، موسیقی، هنر و پوشش محلی
- (۹) از میان بردن زمینه‌های بروز احساسات و تحریکات مانند فقر، محرومیت و عقب‌ماندگی در مناطق قومیت‌نشین
- (۱۰) برابری در فرصت‌های اساسی مانند شغل، تحصیلات و امکانات رفاهی
- (۱۱) تقویت احترام، عزت و تکریم شهروندان از سوی همدیگر
- (۱۲) تقویت وحدت شیعه و سنی و دیگر قومیت‌ها در مناطق
- (۱۳) ارتقای سطح ایران‌گردی و احساسات عام‌گرایانه

(۱۴) تقویت تیم‌های ورزشی در مناطق قومی و تشویق برای حضور در مسابقات سراسری و ملی

(۱۵) شناسایی عناصر اصلی آشوب‌گرا توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و برخورد قاطع دستگاه قضایی با متخلفان

(۱۶) بالا بردن سطح آگاهی مردم (قومیت‌ها) نسبت به دست‌های پشت‌پرده شرارت و بیگانه

(۱۷) برنامه‌ریزی جهت تقویت وفاق اجتماعی به‌عنوان یک هدف کلان و محقق شدن فرموده مقام معظم رهبری مبنی بر اتحاد ملی

(۱۸) حفظ استقلال نسبی خرده‌فرهنگ‌ها و حتی اصالت دادن به آنها و در عین حال برقراری اتصال و ارتباط بین اقوام از طریق تقویت و برجسته کردن نقاط مشترک بین اقوام و غیر اقوام (ارزش، عرف و...)

(۱۹) هوشیاری در تفکیک تقسیمات کشوری و لحاظ قرار دادن آداب و رسوم و سنن (تفرقه‌زدایی)

(۲۰) استفاده از پژوهشگران و مراکز فرهنگی دینی جهت نشریات و بولتن‌ها

(۲۱) شناسایی و برخورد با عوامل ایجاد بحران، چون سرپل‌های مالی و تأمین منابع آشوبگران، اغتشاشگران، وبلاگ نویسان

(۲۲) احداث جاده‌های بزرگ بین شهرها و استان‌ها، که مرادوه بیشتر و راحت‌تر اقوام با یکدیگر را فراهم آورده، آنان را از نظر فرهنگ و زبان به یکدیگر نزدیک کند.

(۲۳) فراهم آوردن امکانات زندگی برای فارسی‌زبانان در مناطق مرزی، و برعکس، امکان زندگی برای اقوام مرزی در مرکز کشور، تا از این طریق اقوام به یکدیگر نزدیک‌تر شده، فرهنگ‌ها مشترک گردد و مناطق نیز از یکدستی کامل به درآیند.

(۲۴) حضور مداوم مسئولان دولتی در شهرهای دوردست و مناطق قومیت‌نشین.

فهرست منابع

- ۱- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۳) *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران، سمت.
- ۲- اطاعت، جواد (۱۳۷۶)، *ژئوپولیتیک و سیاست خارجی ایران*، تهران، سفید.
- ۳- عزتی، عزت الله... (۱۳۷۳)، *ژئواستراتژی*، تهران، سمت.
- ۴- عزتی، عزت الله (۱۳۷۱)، *ژئوپولیتیک*، تهران: سمت.
- 5- Shultz, Richard (1997), "Introduction to International Security", in: *Security Studies for the 21st Century*, Washington, Brassey's.
- ۶- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- 7- Christie, Kenneth (1998), *Ethnic, Conflict, Tribal Politics*, London, Curzon Press.
- ۸- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، *تحولات قومی در ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.
- 9- Gurr, Ted Robert (Sep 1994), "People against States", *International Quarterly*, No 38.
- ۱۰- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، *قومیت و قوم‌گرایی در ایران*، تهران، نشر نی.
- 11- The Unknown Iran: another case for federalism, available at: www.aei.org/eventID.1166.filter.all/evewt-detail.asp.
- 12- Ritter, Scott (June 20, 2005), The US war with Iran has Already Begun, by Aljazeera.
- 13- Shaffer, Brenda (2002), *Borders & Brethren: Iran and the challenge of Azerbaijani Identity*, Cambridge, Mass, MLT Press.
- 14- Molavi, Afshin, Iran's Azeri Question, available at: www.Eurasianet.org.
- 15- Rubin, Michael, Domestic Threats to Iranian Stability Khuzistan and Baluchistan, available at: www.meforum.org/article 1788.

16- Oplan 1002 Defense of the Arabian Peninsula, available at: www.globalsecurity.org/military.

17- Grossman, Zoltan, Khuzestan: The First Front in the War on Iran, available at: www.zmag.org/content/showarticle.cfm

۱۸- بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج؛

۱۳۸۸/۲/۲۲

۱۹- پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب به مناسبت حلول سال ۱۳۸۶

۲۰- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴

۲۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید فطر؛ ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

۲۲- پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی سیاسی حج؛ ۱۳۷۵/۰۲/۰۴

۲۳- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار بسیجیان استان فارس؛ ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

۲۴- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴

۲۵- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۷۹/۰۴/۱۹

۲۶- همان

۲۷- همان

۲۸- پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی؛

۱۳۸۳/۰۳/۰۷

۲۹- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز؛ ۱۳۸۸/۲/۲۹

۳۰- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴

۳۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج؛ ۱۳۸۸/۲/۲۲

۳۲- همان

۳۳- همان

۳۴- پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی؛

۱۳۸۳/۰۳/۰۶

۳۵- بیانات رهبر معظم انقلاب در میدان صبحگاه ستاد نیروی مقاومت بسیج؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۲

۳۶- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۷

- ۳۷- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برگزیدگان استان کردستان؛ ۱۳۸۸/۲/۲۴
- ۳۸- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با روحانیون دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان؛ ۱۳۷۰/۰۸/۲۷
- ۳۹- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای تأمین استان‌ها؛ ۱۳۷۹/۱۱/۲۵
- ۴۰- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز؛ ۱۳۸۸/۲/۲۹
- ۴۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج؛ ۱۳۸۸/۲/۲۲
- ۴۲- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم سقز؛ ۱۳۸۸/۲/۲۹
- ۴۳- بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه درس خارج فقه درباره تقلید لهجه قومیت‌ها؛ ۱۳۸۹/۱/۳۱
- ۴۴- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج؛ ۱۳۸۸/۲/۲۲
- ۴۵- عسگری، محمود (۱۳۸۰)، ویژگی‌های شیوه جنگ ایران در جنگ تحمیلی، *نامه دفاع*، نشریه مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره ۱۷.
- ۴۶- اکوانی، سیدحمده (۱۳۸۷)، «گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳۶.
- ۴۷- ربانی، علی و همکاران (۱۳۸۸)، «رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال دهم، شماره ۳۹.